





■ مجموعه نوحه های عاشورایی ■

:: شناسنامه کتاب:

عنوان: قیام و قلم

گردآورنده: محمدمهدی اسماعیلی

ناشر: هیأت رزمندگان اسلام، معاونت فرهنگی

طراح و صفحه آرا: محمدرضا کاکاوند

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

توزیع: تهران، خیابان فاطمی، خیابان فلسطین، چهارراه

زرتشت جنب سرپرستی بانک صادرات پلاک ۵۵۴

تلفن: ۰۲۱۸۸۹۶۰۴۳۰

فایل صوتی سبک ها در پایگاه اطلاع رسانی هیأت رزمندگان اسلام

www.eheyat.com

:: فهرست

۷	شب اول
۱۹	شب دوم
۲۷	شب سوم
۳۵	شب چهارم
۴۷	شب پنجم
۵۷	شب ششم
۷۱	شب هفتم
۸۱	شب هشتم
۹۵	شب نهم
۱۰۵	شب دهم
۱۱۵	شام غریبان
۱۲۱	سرود پایانی

مقدمه ::

در مسیر خدمت در آستان مبارک سیدالشهدا، باید فلسفه وجودی عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام را درک کرد. سه اصل اساسی بر پایه‌ی اندیشه امامین انقلاب عبارتند از حفظ و احیای اسلام، زنده نگه داشتن نهضت حسینی و مقابله با ظلم و ستم؛ که دانستن و فهماندن این نکات به سایر مردم، وظیفه و هدف خادمان اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌باشد.

نوحه‌سرایی یکی از هنرهایی است که در فرهنگ دینی و عقیدتی ما دارای سوابق طولانی و عمیقی است که در گذر زمان و در قالب مفاهیم و مضامین سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، احساس و عقلانیت تجلی یافته است. این هنر که در قالب مداحی بروز و ظهور پیدا کرده و پشتوانه فرمی و محتوایی آن است، ابزاری پیشرو و سازنده می‌باشد.

بنابراین رسالت نوحه، صرفاً بیان مصائب آل الله علیهم السلام و تحریک عواطف مستمع در یک مجلس روضه نیست؛ بلکه هدایت فکری جامعه بر اساس معیارهای نهضت عاشورا و همچنین ایجاد جریان مطالبه احقاق حق امام، از مهم‌ترین اهداف آن می‌باشد.

اکنون در آستانه محرم الحرام ۱۴۴۳ هجری قمری، بر پایه اشعار و نوحه‌های عاشورایی، مجموعه‌ای ارزشمند با توجه به فاخر بودن آثار و عصمت شعر و نغمه از آفات و آسیب‌های شایع امروز، تدوین و در اختیار شما قرار گرفته است که با توجه به معیارهایی که در بالا مطرح گردید، تهیه و تدوین شده است.

از شاعران و نغمه‌سرایان عزیز، آقایان یوسف رحیمی، رضا یزدانی، جواد محمدزمانی، محمد صالحی پور و ... که از تخصص و تجربه‌شان در این امر بهره گرفته شد و همچنین اشعارشان زینت بخش این مجموعه می‌باشد، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

در پایان، با درود به روح معمار کبیر انقلاب امام خمینی رحمتهما الله و شهیدان والامقام علی‌الخصوص سپهبد حاج قاسم سلیمانی و آرزوی سلامتی، طول عمر و عزت روز افزون رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای رحمتهما الله از خداوند رحمان؛ برای ظهور منتقم کربلا، حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء دعا می‌کنیم.



• اسب اول •



زمزمه: سفیر حسین (بیوسف رحیمی)

شب اوله شب اشک و زمزمه ست
غرق خون دل بیقرار ما همه ست
هر کی اومده پای روضه حسین
دعوت شده خود بی بی فاطمه ست

از اولین شب تو کوفه غوغاست
تو کوچه ها هرکس یه جور به فکر فرداست
یکی سه شعبه همراهش میاره
یکی سنان تو دستشه یا نیزه داره

سفیر حسین داره آهی شعله ور
نمونده باهاش آخه حتی یک نفر
شده اسیر کوفیای بی حیا
حالا چه جوری به آقاش بده خبر

میون کوچه دستش رو بستند
پیشونی شو با سنگای کینه شکستند
اما جلوی چشمش خدایا
سیلی نخورده همسرش غریب و تنها



زمزمه: حسینیا محرمه (حسن بیاتانی) ::

صدای کاروون میاد
حسینیا محرمه
بیاید بریم به کربلا
دل بزنیم به علقمه
حسینیا محرمه
فصل عزا و ماتمه
خزون باغ فاطمس
بهار اشک نم نمه
حسینیا محرمه
اسیر دنیا نمونید
قافله شهادته
جانمونید جانمونید
حسینیا محرمه
به روی حق پا نزارید
دوباره مثل کوفیا
حسین و تنها نزارید
حسینیا محرمه
آتیش به جون عالمه
هرچی به یاد کربلا
گریه کنید بازم کمه
حسینیا محرمه
آتیش تو باغ زینبه



شور حسین حسینتون
مرهم داغ زینبه
حسینیا محرّمه
علم کنید یه سرپناه
غیرتیا باز نکنه
آتیش بگیره خیمه‌گاه
حسینیا محرّمه
نالاه کنید و ولوله
به گوش زینب نرسه
صدای رقص و هلهله
حسینیا محرّمه
زینبش و یاری کنید
حضرت عباسی برا
حسین علمداری کنید
حسینیا محرّمه
قربون بغض و کینه‌تون
به جای عباس بزنید
برا حسین به سینتون



:: زمینه: دیار درد

تو کوچه‌ها میاد صدای تیر و شمشیر
حال و هوای کوفه خیلی شده دلگیر
داره آماده نبرد می شه دوباره
سرزمینی که غیرت و وفا نداره
کوفه دیار درده، کوفه نیا نامرده،
اون که نوشته نامه برات
از روزگار دلگیرم، از غم تو می میرم
کاشکی بشم آقا به فدات

رو دلم مرهمی بذار، خانواده تو با خودت نیار
توی دیار غربت
اهل بیت نبی کجا، این آدمای بی حیا کجا!
آدمای بی غیرت

این سرزمین نداره رنگ آشنایی
از هر طرف می وزه بوی بی وفایی
مثل علی دست منو تو کوچه بستند
پیشونی مو با سنگای کینه شکستند
مسلم تو دلخونه، تو کوچه‌ها می خونه:
از غربتت ای خون خدا
غم رو دلش می شینه، گویا داره می بینه
خورشیدی رو روی نیزه‌ها



کوفه لبریز آهشه ، دارالاماره قتلگاهشه
بیقرار و بی تابه
بادوتا چشم لاله گون ، بالبای خشک و غرق به خون
روضه خون اربابه



نوحه: پیمان خون (جمعی از شاعران)

آمده محرم، فصل غیرت ما
هیپهات منا الذله، شده ذکر لبها

آدم پیمانِ خون ببندم با شهیدِ عزت
دست همراهی نمی‌دهم با دشمنانِ اُمّت

امیری حسین و نعم الامیری
بیزارم از ننگ و از ذلت‌پذیری

بسم رب العزیز، بسم رب الجلیل
منم ای کوفیان، مسلم بن عقیل
مسلمی که دل به وعده کوفی نداده باشد
مرگ با عزت کرامتِ قومِ آزاده باشد

با عزم و خروشم می‌شود قیامت
یاور حسینم تا دمِ شهادت



نوحه: شور شیرین (حسین عباسپور) ::

در سینه من غیر داغ تو غمی نیست
جز بیرق تو بر سر من پرچی نیست

شد شور شیرینت تسکینم
چشمم را می بندم صحت را می بینم

به درگاہت پناه آوردم
فقط پیش تو سر خم کردم

روحم وجودم هستی ام ایمانم از تو
می میرم و رو بر نمی گردانم از تو

کوفی شد عالم من می مانم
با قلبم با اشکم با خونم با جانم

بی کفن با لبان عطشان
شهادت را نصیبم گردان



:: **واحد کند: تقدیر من** (محمد جواد الہی پور)

اسم تو رو از کودکی، مادر من یادم داده
شکر خدا تقدیر من، دست غم تو افتاده

ماہ ماتمہ، دنیا سیاہ پوشہ

خون تو می جوشہ

ماہ ماتمہ، زینب دلش خونہ

انگار یہ بغضی تو گلو شہ

دنیاش بہ آخر می رسہ

باز قصہ بہ سر می رسہ

صدای مادر می رسہ

حسین مظلوم

پرچم رو گنبد تو، نسیم دارہ تکون می دہ

قشنگی خلقتشو، خدا دارہ نشون می دہ

امان از دلم، امان از این دوری

دوری و مہجوری

امان از دلم، چہ جوری بگم

سختہ برای من صبوری

نزار بمونہ رو دلا

دوبارہ داغ کربلا

دست ما رو بگیر آقا

حسین مظلوم



:: **واحد: خروش عشق** (مهدی نایینی)

بوی محرم آقا اومد
دلَم به سمت روضه مایل شد
الحمدلله دعوتِ مادر
امسال دوباره ما رو شامل شد

الحمدلله، که تغییر نکرده حس و حالَم به محرم
الحمدلله، به حالِ نشاطِ بعدِ اشک و روضه و دم
الحمدلله، که قابلِ دونستیِ واسه تو جاری شه اشکم

«ای سایهٔ رویِ سرم، یا ابی عبدالله
دارایی مه چشمِ ترم، یا ابی عبدالله»

فصل خروش عشقه تو دلِها
اون عشقی که اراده می‌سازه
تربیت اراده تو روضه‌س
روضه همون نقطهٔ پروازه

چه عاشقایی، از اینجا سفر کردن و رفتن سوی معراج
مهاجرایی، که دنیا نترسوندشون از طوفان امواج
بودن غلامِ حسین و نبودن به کسی یه ذره محتاج

یا حسین حسینِ غزلِ عمری نوکری شون
آتیش می‌زدن دلو با روضه پروری شون

«ای سایهٔ رویِ سرم، یا ابی عبدالله
دارایی مه چشمِ ترم، یا ابی عبدالله»



(حسین حاجی)

شور: حج حسین

پیام عشق پیام کربلا، قیام خون قیام کربلا
خوشا دلی که شده مقصدش، حج حسین امام کربلا

میقاتم میقات اشکه، احرامم احرام آهه
احیای روضه ارباب، احیای شعائر الله

کربلا راه تا به خدا رفتنه
گریه برای حسین حج منه

مقصد مؤمنینه کربلا، راه اهل یقینه کربلا
عرفات همه سینه زنا، غروب اربعینه کربلا

از نجف تا به کربلا، تسبیح عاشقا تو راه
لیبک یا ابوفاضل، لیبک یا اباعبدالله

زیرقبه حسین می خوام از خدام
توی بهشت باشم همسایه اقام

من هلاکم هلاک کربلا، سینه چاک بی باک کربلا
اللهمی که وقت جون دادم، سر بذارم رو خاک کربلا

دوست دارم شبیه اصحاب، شهید راه مولا باشم
دوست دارم شبیه ارباب، لب تشنه و سر جدا باش

مفدای خد التریب تو یا حسین
فدای شیب الخضیب تو یا حسین



• **الشيخ** •
حرف •



زمزمه: باغ لاله (یوسف رحیمی) ::

داره کاروان زیر لب شور و نوا
داره کاروان با خودش نور خدا
کاروان عشق با دلی لبریز غم
داره می‌رسه به دیار کربلا

دیار اشک و دیار ناله
پرپر می‌شه تو این دیار، یه باغ لاله
می‌لرزه قلبِ بی‌تابِ زینب
تا که نگاش می‌افته به پای سه ساله

هرم تشنگی داره این خاک غریب
ذکر لبای کاروان آمن یجیب
توی گهواره نداره صبر و قرار
شش ماهه شده بی‌قرار و بی‌شکیب

عمو میاره یه مشک پر آب
طاقت نداره ببینه علی رو بی‌تاب
غصهٔ روز دهم خدایا
گرفته صبر و ولی از چشای ارباب



:: زمینه: اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ

از راه می‌رسن کم‌کم با شیون و شور و نوا
هفتاد و دو خورشیدِ کاروان کرب و بلا

از غریبیِ قافله، میونِ عرشه و لوله
بارونی شده چشمايِ سرخ آسمون
توی صحرايِ کربلا، پا می‌ذاره خونِ خدا
ذکر لبشه انا الیه راجعون

روز دوم محرمه، دل آسمونیا پر از غمه
روی لب‌گل کرده زمزمه: حسین وای، حسین وای

آروم نداره قلبِ تمومی اهل حرم
داره خاک این صحرا بوی غریبی بوی غم

آخه این قوم بی‌مرام، راهو بسته روی امام
می‌لرزه دل خواهری بی‌صبر و قرار
نگاهش غرق خون می‌شه غصه‌هاش بی‌امون می‌شه
وقتی که داره می‌بینه اینقدر نیزه‌دار

فکر غربت برادره، ذکری که روی لبای خواهره
زمزمهٔ آخریِ مادره: حسین وای، حسین وای



:: نوحه: سر باز امام (جمعی از شاعران)

تا این دنیا دنیا دنیاست، هر روزم عاشورا است
جنگ حق و باطل، تا قیامت برپاست

با حسین روزگار خود هرکس که بسته عهدی
می شود روز ظهور حق یار حضرت مهدی

می پیچد ذکر ما در همه عالمین
لیبک یا حسین لیبک یا حسین

.....
به دشت کربلا، می رسد کاروان
تا که زمین شود، رشک هفت آسمان
کاروانی که شمیم سبیش در جهان وزیده
کاروانی که زمان شبیهش را به خود ندیده

بی همتا در عزم و شکوه و دلیری
امیر حسین و نعم الامیری



(محمد جواد الهی پور)

و احد کند: معیار ایمان ::

هر جا بری همراهتم، تویی صراط مستقیم
با تو گره خورده حسین، تقدیر دل‌ها از قدیم

اینجا کربلاست، دل مبتلا می‌شه

خیمه به پا می‌شه

اینجا کربلاست، رنگ فراق داره

اینجاس که زینب تنها می‌شه

با داغ کربلای تو

ایمانمون خورده محک

یا لیتنا کنا معک

حسین مظلوم

تو مسجدا تو تکیه‌ها، می‌خوندن از اون قدیما

فریاد یا محمدا، حسین رسید به کربلا

خیمه شد به پا، رقیه بیداره

اصغر تو گهواره

خیمه شد به پا، علمدار لشکر

عمود خیمه رو می‌کاره

فدای غربت حسین

سرم رو تربت حسین

عشقم زیارت حسین

حسین مظلوم



:: **واحد: معنای عاشقی** (مهدی نائینی)

کاروانی از شور و حماسه
 با رجز یا زهرا، کرده مهیا جان را
 با سلاح ایمان و اراده
 فاتح میدان هستیم، در وسط طوفان‌ها
 عاشقی یعنی، در لشکر حسین آماده‌ایم هر دم
 عاشقی یعنی، ما سربازیم و هیأت خط مقدم

عاشقی یعنی
 در گرداب تلاطم‌های زمانه تا ولی شناسیم
 ما از فتنه دشمن از صف رودررو نمی‌هراسیم

من ذکره شفا، یا رافع البلاء

مظلوم کربلا

چادر یاس شهید کوچه
 بر بلندای تاریخ، روی سر نوکرهاست
 معبر حسینی شدن ما
 زیر همین پرچم‌هاست، راه نجات دنیاست
 عاشقی یعنی، از جان گذشتن در مسیر مولا
 عاشقی یعنی، صبر و مقاومت تا وصال فردا

عاشقی یعنی
 باید شعله‌ور کنیم کل جهان را با عزای ارباب



عالم زنده شد دوباره از اعتبار لوای ارباب

یا منتهی الرجاء، یا شافع الجزا

مظلوم کربلا





زمزمه: اسیر سلسله (یوسف رحیمی)

چشامو ببین که پر از غمه بابا
با تازیونه اومدن همه بابا
شونه‌ای نبود غیر پنجه‌های باد
موهامو نبین خیلی در همه بابا
معلومه از این قد کمونم
بار یتیمی سنگینه به روی شونه م
دستای دشمن خیلی بزرگ بود
یه سیلی زد اما کبود شد هر دو گونه م

دست کوچیکم اسیره تو سلسله
نداره توون پا‌های پر آبله
اگه غم تو نکشه منو بابا
منو می‌کشه کینه‌های حرمله
یه دنیا روضه توی نگامه
مَنْ الَّذِي أَيْتَمَنِي ذَكَرَ لِبَامِهِ
اون که دلم رو، آتیش کشیده
انگار که تیغش از گلوت بوسه‌ها چیده



زمینه: طعنه‌های سیلی (یوسف رحیمی)

باباجون رفتی و من جا موندم
خسته و تنها موندم، همدم غم‌ها موندم

بعد از تو قلب پر آهی دارم
بعد از تو عمر کوتاهی دارم
بعد از تو چشم من شد بارونی
بعد از تو کارمه اشک افشونی

امون از روزگار نیلی
امون از طعنه‌های سیلی

بابا جون بی تو بودن دلگیره
دختر تو می‌میره، دیگه از دنیا سیره

رفتی و خیمه‌هامون غارت شد
رفتی و دشمنت بی‌غیرت شد
رفتی و هرچی داشتیم کم‌کم رفت
رفتی و بابا گوشواره‌م هم رفت

دل از این زندگی بریدم
تا سرت رو زو نیزه دیدم



نوحه: احیاء اسلام (جمعی از شاعران)

سلام خدا بر شهید عاشورا

کشته شد تا شود دین خدا احیا

می شود حتی لب‌های خونینش قاری قرآن
«وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا...» ای وای حسین جان

بر لبش ذکر «إِنِّي أَحِبُّ الصَّلَاتِ»

دین زنده‌ست از خونِ قتیلِ العبرات

چشم عالم مبهوت، از خروش زینب

بیرق کربلاست، روی دوش زینب

گرچه دارد قلبی غرق در خون از داغ جدایی
می‌کند برپا در کوفه و در شام کرب و بلایی

زنده مانده از او این قیام پر شور

سَلَامٌ عَلَى قَلْبِ زَيْنَبِ الصَّبُورِ



واحد کند: مهمان ویرانه (محمد جواد الهی پور)

جارو کنید ویرونه رو، مهمون ناخونده دارم
خلوت کنید دور منو، حرفای جا مونده دارم

بعد از رفتنت، خیمه‌ها غارت شد

به ما جسارت شد

بعد رفتنت، وقت اسارت شد

تموم غصه‌ها به خط شد

ای آسمون امشب بگو

هرچی که گفتم مو به مو

درد دلامو با عمو

دلَم گرفته

از شامیا نمی‌گذرم، دلَم رو رنگ غم زدن

دیدن که کوچیکم ولی، سیلیا رو محکم زدن

دستم به دعاست، خوب بشه باز زخمام

آبله پاهام

شاید که بشه، بعدش تو بازم

بهم بگی دختر زیبام

حالا که اومدی پدر

قصه من رسید به سر

یه لطفی کن منم ببر

دلَم گرفته



واحد: نگین سجاده (سیدعلی حسینی) ::

تربت، یادگاری کربلاست
تربت، نگین سجادهٔ ماست
تربت، مُهر قبولی خداست

تربت، قرار قلب مبتلاست
تربت، باعث دفع هر بلاست
تربت، برای هر دردی دواست

«شبی در یک عبادتگاه مَهْری
رسید از دست محبوبی به دستم
بدو گفتم که مُشکی یا عبیری
که از بوی دلاویز تو مستم
بگفتا من گلی ناچیز بودم
ولیکن مدتی با گل نشستم
کمال هم نشین در من اثر کرد
وگر نه من همان خاکم که هستم»

«جَعَلَ اللهُ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ
جَعَلَ الْإِجَابَةَ تَحْتَ قُبَّةِ الْحُسَيْنِ»

تربت، روشنی بخش قبر ماست
تربت، امید ما، روز جزاست
تربت، دلیل اشک بی صداست



تربت، پراز شمیم و عطر سیب
تربت، شد آیه اَمَّنْ یُجیب
تربت، یعنی حسین خد التریب...

به روی خاک گرم کربلا بود
میان نیزه‌ها فرزند حیدر
سرش بر خاک، گرم سجده‌ها بود
که شد خورشید عالمتاب بی سر
چنان تشییع شد با نعل‌ها که
عجین با خاک شد آن جسم پریز
شده تربت، از آن پس خاک اعلا
شده تربت به عطر او معطر

«جَعَلَ اللَّهُ الشِّفَاءَ فِي تُرْبَةِ الْحُسَيْنِ
جَعَلَ الْإِجَابَةَ تَحْتَ قُبَّةِ الْحُسَيْنِ»



• ان شاء الله •
• حياها •



زمزمه: نذر زینب (یوسف رحیمی)

تو که نمی‌خوای پیش نجمه و رباب
بشه زینبت آخر از خجالت آب
بیا بپذیر هدیه‌های زینبو
نذا که بشه ماتم من بی حساب

نذر غم تو دار و ندارم
تموم هستی مو می‌خوام به پات بذارم
آخه نمی‌خواد دنیا رو زینب
وقتی قراره نباشی دیگه کنارم

تو که نباشی زندگی سراب می‌شه
غمای جهان رو سرم خراب می‌شه
تو که نباشی نصیب زینب تو
تازیانہ و حلقه طناب می‌شه

گل‌هام چطوری آروم بشینند
جون میدان آخه دستامو بسته ببینند
طاقت ندارند شام خرابو
محلّه یهودی و بزم شرابو



زمزمه: خواهش خواهر (حسن بیاتانی)

تموم هستی ام فدات
حسین من حسین من
زینب گل آورده برات
حسین من حسین من
فداییات دق می‌کنن
راه او نا رو سد نکن
یکی که عاشقت میشه
دسته گلاش و رد نکن
بچه هام و تو گهواره
با ذکر تو تاب میدادم
از کوچیکی این گلارو
به عشق تو آب میدادم
بزار برن فدات بشن
جنگ اینا دیدنیه
چرا قبول نمی‌کنی
گل همیشه چیدنیه
بر نمی‌گردی میدونم
تا که چراغونی کنم
وقت خدا حافظیه
میخوام که قربونی کنم
میخوام که دنیا نباشه
آتیش بگیره هرچی هست



چجوری طاقت بیارم
حرمت مصطفی شکست
غریت دین جدم و
چجوری طاقت بیارم
تو خون برآش بده، منم
سر به بیابون میزارم
سر به بیابون میزارم
شیون و غوغا می‌کنم
میرم برای انتقام
مهدی رو پیدا می‌کنم



زمینه: حرریاحی (سیدعلی حسینی) ::

خودش رو شکست
سرشکسته اومد و سربلند رفت
خودش رو شکست
رها شد از این قید و بند رفت

به جایی رسید دور از دنیا
بزرگ شد دلش مثل دریا
به یک احترام به زهرا

«ناپاک قطره‌ام که پی آب گُرروم
شمرنده از گناه به دنبال خُرروم
آموختم ز حر که به درگاه اهل بیت
با دست خالی آیم و با دست پُرروم»

«یا رحمة الله الواسعه، یا حسین»

خودش رو شکست
بین دوزخ و بهشت انتخاب کرد
خودش رو شکست
روی لطف مولا حساب کرد

به سمت امامش راه افتاد
همه زندگی شو برد از یاد
به یک گوشه چشمی شد آزاد



«دلبسته‌ام مرا ز سر خویش و نکن
از من مرا جدا کن و از خود جدا مکن
من با تو پیش از آمدنم آشنا شدم
ای آشنا مفارقت از آشنا مکن
«یا رحمة الله الواسعه، یا حسین»



:: نوحه: امید فاطمه (جمعی از شاعران)

می شود ماه ما، در آسمان کامل
با ذکر «جاء الحق، و زهق الباطل»

می رسد امید مردم مظلوم غزّه و شام
می رسد تا کعبه در طواف او ببندد احرام

از منا به سوی کربلا می آید
منتقم خون شهدا می آید

دارد روی شانه، عبای پیمبر
امید فاطمه، آرزوی حیدر

می رسد با ذوالفقار مولا از وادی مکه
می رسد مرگ آل یهود و آزادی مکه

می رسد قبله امید عالمین
نقش پرچمش یا لثارات الحسین



(محمد جواد الهی پور)

:: واحد کند: اصحاب الحسین علیهم السلام

حرم ولی دربند تو، دل بسته لبخند تو
دلم رو از غم کرد رها، نگاهای دل بند تو

برگشتم حسین، آغوش تو وا کن

منو مهیا کن

برگشتم حسین، بدکردم آقا چون

از دست دل این بند و واکن

به من هم اذن بده حالا

می خوام برات بشم فدا

بگو که بخشیدی آقا

حسین مظلوم

.....
جُون اومده راهی بشه، بزار با آبرو بشه
جسم سیاهش غرق خون، نورانی و خوش بو بشه

اصحاب الحسین، تا وقتی که باشن

دوره ازت دشمن

اصحاب الحسین، به پای عشق تو

می گذرن از جون و سر و تن

حبیب و مسلم و وهب

برای تو به تاب و تب

شدن برا تو جون به لب

حسین مظلوم



(محمد جواد الہی پور)

:: واحد کند: طفلان حضرت زینب

بعد از تو شد نوبت من، باید منم داغ بینم
حالا که رفته اکبرت، نباید آروم بشینم

سہم خواہرت، عون و محمد شد

غم تو بی حد شد

سہم خواہرت، تو روز تنہایت

یہ خوردہ کم بود خیلی بد شد

بذار کہ ارباً اربا شن

برا سفر مہیا شن

بذار کہ نقش صحرا شن

برادر من

از وقتی کہ بابا منو، بہ دست تو سپرد داداش

زندگی مو دادم بہ تو، ناراحتِ زینب نباش

فدای سرت، دار و ندار من

تویی قرار من

فدای سرت، زندگی من میدم

برای تو برادر من

یکی سرش جدا شدہ

یکی ارباً اربا شدہ

غرق بہ خون صحرا شدہ

برادر من



.....

شرمندهٔ مادر شدم، قربونیای من کمن
فدایی اصغر تو، فدای ماه حرمن
غرق خون چقدر، شدن تماشایی
در اوج زیبایی
کاش می شد دیگه، تو بمونی پیشم
دیگه نزن حرف جدایی
به خون نشسته اومدن
پهلو شکسته اومدن
با چشم بسته اومدن
برادر من



واحد: تا ابد با حسین (مجتبیٰ حاذق)

وقتی به تو دل داده‌ایم
آزادهٔ آزاده‌ایم

گرچه از تو دوریم اما دل بر تو بستیم
ما به خاطرات اربعینت زنده هستیم

گفته‌ایم قدم قدم حسین
زیر هر علم علم حسین
ذکر ما حرم حرم حسین

مثل عاشق‌ها، زیر دین هستیم
تا ابد ان شاء الله، با حسین هستیم

«یا حسین لبیک»

جاری شده سمت خدا
این چشمه‌ها، از چشم ما
بر حسین اگر اشک عزاداری بیارد
قطره قطره اشکش را به زهرا می‌سپارد
گر به دل غمش اثر کند
سینه را پراز شرر کند
فاطمه به ما نظر کند



مثل عاشق‌ها، زیر دین هستیم
تا ابد ان شاء الله، با حسین هستیم

«یا حسین لبیک»

.....

با شعراشک، شاعر شدیم
از راه دور، زائر شدیم
قبر تو درون سینه سینه زنان است
شعله‌های عشقت در دل ما جاودان است

قلب ما حرم حرم حرم
با صفا حرم حرم حرم
کربلا حرم حرم حرم

مثل عاشق‌ها، زیر دین هستیم
تا ابد ان شاء الله، با حسین هستیم

«یا حسین لبیک»



•
ك
•
ك
•
•



زمزمه: غوغای قتلگاه (یوسف رحیمی)

نصیب حرم دل خون و پریپره
دیگه گمونم لحظه‌های آخره
محشری شده حالا توی قتلگاه
غرق خاک و خون بدنی مطهره

دیگه نمونده تو خیمه یاری
فایده نداره این تب و این بیقرای
باید برم من تا بین مقتل
دستای کوچیکم کنید آبرو داری

میون نگاش دنیایی از اشک و آه
هر جوری که بود رد شد از بین سپاه
بایه دل خون بایه قلب بی شکیب
خودشو رسوند به عمو تو قتلگاه

دستاش سپر شد برا عمو چون
از ماتمش چشم عمو شد غرق در خون
حرمه دیده گلوی طفلو
داره سه شعبه میاره بازم به میدون



زمزمه: عطر شهادت (حسن بیاتانی) ::

دیشب که به حسینیا
عطر شهادت میزدن
انگار به دست و پای من
قفل اسارت میزدن
چه جمع با صفایی بود
روی همه خدایی بود
مونده بودم خیمه ولی
دل منم هوایی بود
صدای مظلوم عمو
قلب من و کباب می کرد
میون مردا آخه کی
یه بچه رو حساب می کرد
قاسم که برگشت به حرم
گل از گلش وا شده بود
داداش پهلوون من
مثل شهیدا شده بود
بغض غریبی عمو
راه صدام و بسته بود
گفتم داداش خوش به حالت
اما دلم شکسته بود
گفتم دعا کن که منم
مثل تو رو سفید بشم



اینو به هیچکسی نگو
منم میخوام شهید بشم
قاسم می گفت گریه نکن
حاجت میگیری به خدا
هواش و هرسر می کنه
حتما میره رو نیزه ها
دیشب مثل پروانه ها
می چرخیدم دور داداش
گفتم شهید حاجت میده
بوسه زدم به دست و پاش
پروانه ها پر کشیدن
رفتن به باغ آرزو
نمونده از سپاهشون
هیچکی به جز من و عمو
بازم عمو میگه نیا
عشق که نداره دیر و زود
میگن هنوز تو بچه ای
پس علی اصغرش چی بود
عمه رها کن دستامو
باید برم همین حالا
بین یکی تو قتلگاه
شمشی و آورده بالا
عمو فدای غربتت
فدای روی ماه تو



بزار که پرپر بزنم
منم تو قتلگاه تو
بزار که با دست خالی
دشمن و شرمنده کنم
بزار تو آغوشت باشم
تا به بابام خنده کنم
بزار تو قتلگاه تو
از دلم عقده وا بشه
انقدر حسین حسین بگم
تا که سرم جدا بشه



:: نوحه: عزت دین (جمعی از شاعران)

تپش قلب ماست، وقتی نام حسین
زندگی می‌کنیم، با مرام حسین

شیعه می‌داند که عزت دین از قیام مولاست
امر به معروف و نهی از منکر پیام مولاست

با حسین ما تا پایانِ این مسیریم
حسینی می‌مانیم حسینی می‌میریم

این دنیای فانی بی‌بار و بی‌برگ است
وقتی که تقدیر همه ما مرگ است
در دفاع از مکتب «لا أَرَى الموتَ إِلَّا سَعَادَه»
بشنود عالم فریادِ «كِرَامَتَنَا الشَّهَادَه»

یعنی که لحظه‌ای ذلت نپذیریم
حسینی می‌مانیم حسینی می‌میریم



نوحه: در آغوش عمو (حسین عباس پور)

تنها شده در حلقه دشمن عمویم

عمه رهایم کن مبادا آبرویم...

در قلب بی تابم طوفان است

جسمم در این خیمه روحم در میدان است

به من گفتی مرو اما آه

پدر گوید بیا عبدالله

جان در تن من باشد آقا بی پسر نیست
من دست دارم پس عمویم بی سپر نیست

آغوشش شیرین تر از جانم
از گودال تا نیزه همراهش می مانم

به سویش نیزه‌ای سر خم کرد
سینه‌ام را سپر خواهم کرد



شور: آقای من (جمعی از شاعران) ::

کاری نکردم

اونجوری که باید تو رو یاری نکردم

بنده خوبی نبودم برا تو مولا

آبرو دادی، آبروداری نکردم

وای من و وای من و وای من

چی اومده به روز دنیای من

وای اگه توی کوره راه دنیا

دست منو نگیره آقای من

آقای مهربونم، درد و بلات به جونم

دل از خدایه

می خوام تموم زندگیم نذر تو باشه

خدا نیاره اون روزو برای نوکر

حتی برایه لحظه از آقاش جدایه

وای من و وای من و وای من

تنهام اگه بذاره مولای من

وای اگه توی سختیای محشر

دست منو نگیره آقای من

آقای مهربونم، می خوام با تو بمونم



از خود گذشتن
چه عاشقونه رفتن اما برنگشتن
تو حلب و سامرا کربلایی ساختن
اونا که یادگارای والفجر هشتن
وای من و وای من و وای من
راهی شدن همه رفیقای من
وای اگه از قافله جا بمونم
دست منو نگیره آقای من
آقای مهربونم، نذار که جا بمونم





زمزمه: عروج یا کریم (یوسف رحیمی) ::

غرق خاک و خون افتاده نور دو عین
روی لبشه گمونم شهادتین
هر چی که رمق داره جمع می‌کنه تا
بتونه بگه دوباره عمو حسین

یاس سپیدی در خون نشسته
شاید که خاک و خون راه نفس رو بسته
کرب و بلا شد انگار مدینه
شد تازه داغ مادری پهلو شکسته

کوفیا دیدن نمی‌شن حریف ماه
دوره ش می‌کنن مته ابرای سیاه
توی بارون نیزه و سنگ و سنان
عزیز حسن می‌مونه چه بی پناه

وقت عروج این یا کریمه
اما تو میدون نصیبش داغی عظیمه
هجوم آوردن بیشتر به سمتش
کوفیا وقتی فهمیدن قاسم یتیمه



زمزمه: عزیز حسن (حسن بیاتانی)

هنوز دل حسینیا
هی بیقراری می‌کنه
قاسم برای پرزدن
لحظه شماری می‌کنه

هی می‌بینه یکی یکی
سپاه خوبا کم میشه
قاسم به دنبال عمو
همو همش قایم میشه

با چشای خیس اومده
بابام برات نامه داده
چرا اجازه نمیدی
خودش من و فرستاده

دوباره روضه شد به پا
دوباره پر خروش شدن
نوشته توی مقتلا
هر دوتاشون بیهوش شدن

قامت رعنا ی حسن
دوباره جلوه‌گر می‌شد
هرچی قاسم دور می‌شدش
حسین شکسته‌تر می‌شد



از زیر پای مرکبا
صدا میزد عمو بیا
ببین داره با ظرف آب
بابا میاد، عمو بیا

دشمن با هرچی دستشه
با بغض و کینه میزنه
قاسم حسین حسین میگه
حسین به سینه میزنه



:: زمینه: خروش سرخ (خسرو جولافیان)

با نوای یاحسین کوه کشته ها سازم
منم آنکه بی امان به دل فتنه می تازم
به زیر سایه ی علمت
شوم مدافع حرمت

السلام ای شاه بی قرینم
السلام ای عشق آتشینم
السلام ای ارباب وزینم
السلام ای ذکر دلنشینم

صاحب پرچم حسنم
عقیق خاتم حسنم
بت شکنم آری بت شکنم

با نوای العطش لشکری بلرزانم
منم آنکه بی زره ابوتراب گردانم
به زیر سایه ی علمت
شوم مدافع حرمت

من سپاه حق کربلایم
من طلوع رزم مجتبی یم
من همان تکبیر آشنایم
من خروش سرخ مرتضی یم



وارث غیرت حسنم
وزیر دولت حسنم
بت شکنم آری بت شکنم

به تن حرامیان نیزه ها برافشانم
منم آنکه دشمن یزیدی و یزیدانم
به زیر سایه ی علمت
شوم مدافع حرمت

آنکه از جانش سیراست بیاید
آنکه اهل شمشیر است بیاید
آنکه در جنگ امیر است بیاید
آنکه در میدان شیر است بیاید

حافظ سنگر حسنم
نهیب لشکر حسنم
بت شکنم آری بت شکنم



زمینه: دلاور سیزده ساله (جمعی از شاعران)

داره میاد سوی میدون کفن به تن داره
دلاوری که شکوه امام حسن داره

کوچیکه قامتش اما گویای عزمش نیست
رجز می خونه و هیچ کس حریف رزمش نیست

دلاور سیزده ساله س دلیر و باشهامته بی بدله
خون حسن تو رگه‌هاشه پسر سردار رشید جمله
طعم شهادت رو لبه‌هاش همه می دونن احلی من العسله

.....

میون معرکه خیلی شده تماشایی
«و ان یکاد» می‌گه مولا، چه قد و بالایی

میاد به میدون و شور دلاوری داره
خروش و هیبت و سیمای حیدری داره

با صلابت مثل طوفان، با شهامت و شجاع و دریادله
به این شکوه بی‌مانند خیره شده نگاه اهل قافله
نداره همتایی آخه شاگرد رزم آقام ابوفاضله



نوحه: پرتو بصیرت (جمعی از شاعران)

رجزخوان می آید، چون طوفان می آید
قاسم بن الحسن، به میدان می آید

در هراس از او، روان شده هر سو، تمام لشکر
فرق صد آزرق، ز تیغ او منشق، الله اکبر

سرایا، شجاعت، شهامت، رشادت
در کامش، شیرین تر از عسل، شهادت

.....

با شوق شهادت، دیده اش دریا بود
اما رفتن او، با اذن مولا بود

آن کسی که شد روشن دلش از پرتو بصیرت
داند اول شرط یاری مولاست شرط اطاعت

نمی رود مأموم جلوتر از امام
عقب نمی ماند از او روز قیام



نوحه: مردان نوجوان (محمد جواد شرافت)

این دشت کربلاست، یا عرصهٔ جمل
یاد حسن بود، احلی من العسل
در روی ماه قاسم چه نوری ست
این نوجوان چه مرد غیوری ست
در لحظه‌های رزمش چه شوری ست

سراپا شکوه سراپا حسن
به سیرت حسن به سیما حسن
بگو یا حسن یا حسن یا حسن

از جبهه‌ها بگو، از لاله‌ها بخوان
از لاله‌های مرد، مردان نوجوان

فهمیده‌های راه حسینند
قربانی سپاه حسینند
دلدادۀ نگاه حسینند

فدای دل سبکبارشان
چه شوری بُود به پیکارشان
که قاسم شده علمدارشان



نوحه: طوفان شمشیر (حسین عباس پور)

عطشان و گریان آخراز مولا جدا شد

وقت نبردش مجتبای کربلا شد

بی خُود و بی جوشن عازم بود

چشمان ازرق‌ها مبهوت قاسم بود

به لشکر لرزه می اندازد

مثل شیر جمل می تازد

باید تقاص خون اکبر را بگیرد

می خواست روی دامن زهرا بمیرد

در میدان شمشیرش طوفان کرد

هر تبری هر سنگی آمد او تاب آورد

تا که از خون تنش رنگین شد

کام او از عسل شیرین شد

از غصه‌های خود برادر با حسن گفت

با چشم‌های تر پیمبر یا حسن گفت

بر عالم می بخشد دستانت

در محشر خندان است هر کس شد گریانت

تو هستی امام تارالله

رهبر قیام تارالله



(محمد جواد الهی پور)

:: واحد کند: به فرمان حسن

اذنم بده راهی بشم، موندن برام شده عذاب
یه راهی دارم واسه این خواهشای بی جواب

نامه پدر، با خط و امضاشه

مهر حسن پاشه

نامه پدر، یعنی منم امروز

فقط تو لطف کن بگو باشه

عشق تو احلی من عسل

منو می گیری تو بغل

شهادته خیر العمل

عموی خوبم

.....
شرمنده ام ستم کمه، سنگینه شمشیر واسه من

عمو نیا پشت سرم، از داغ من فریاد نزن

فدای سرت، اصلا کی جوشن خواست

من که دلم دریاست

فدای سرت، عموی مظلومم

فدای تو شدن چه زیباست

فدای غربتت عمو

یه بغضی مونده تو گلو

به عمه جای من بگو

خدا نگهدار



واحد: مثلی لا یبایع مثله (یوسف رحیمی) ::

در این شام تار اهل دنیا
 من چون صبح صادقم ای مردم
 من آیینۀ رسول اللهم
 من قرآن ناطقم ای مردم
 نه اهل ضعف و سازش و تسلیم
 نه اهل ننگ و ذلت و عارم
 من سر بلند عالم هستی
 هیئات منا الذلّه شعارم
«مثلی لا یبایع مثله»

.....

ما هم ابتدای نور الهی
 ما هم انتهای فضل خداییم
 ما با آیۀ لِيُذْهِبَ عَنْكُم
 از هر ظلمتی هماره جداییم
 ما اهل بیت وحی و رسالت
 او اهل ظلم و قتل و جنایت
 کی همچو من به بیعت فردی
 همچون یزید داده رضایت
«مثلی لا یبایع مثله»



شور: راه انتقام (سید علی حسنی) ::

این علم تو دست ماست

حافظش خود خداست

مقصدمون قدسه

مسیرمون کربلاست

کربلا شعور و شوره

کربلا قیام نوره

کربلا مبدا عصر ظهوره

سنگر به سنگر

پشت ولایت

سرباز روح الله است تا پای شهادت

لبیک یا مهدی

اشک پای روضه‌ها

لحظه لحظه عزته

مقصدمون نوره

مسیرشم هیاته

روضه‌های ما پیامه

روضه راه انتقامه

روضه‌ها سنگر اول قیامه

هیات به هیات

پشت ولایت

سرباز روح الله است تا پای شهادت

لبیک یا مهدی



•
سورة
الحق
•



زمزمه: یک جرعه آب (یوسف رحیمی)

تشنگی مگه به کسی امون می ده
بیشتر دم ظهر خودشو نشون می ده
نداره رمق دیگه غنچه رباب
حتی لباسو دوباره تکون بده

رو دست مادر بی هوش یا خوابه
لبای خشکش قاتل قلب ربابه
مادر خسته ش با چشم پراشک
خیمه به خیمه دنبال یه جرعه آبه

نمونده آبی دیگه توی خیمه ها
عمه علی رو می ده به دست بابا
رفته بابا و قنداقه رو دستشه
اما حیایی ندارن این کوفیا

حرمه داده جواب آخر
رو دستای بابا شده آلاله پرپر
یکی نبود که ازش بپرسه
آخه سه شعبه کجا و گلوی اصغر



زمینه: طاقت بیار ::

خشکیده لبای تو، بارونی چشای تو

علی اصغر! عمو عباس فدای تو

یه کمی رو دست سکینه بخواب

یه کمی طاقت بیار گل رباب

هر جوری شده برات میارم آب

می دونم که زیر لب برام دعا کردی

گفتی حالا که می‌ری الهی برگردی

خونین شد لبای تو، پرپر شد چشای تو

عمو عباس! علی اصغر فدای تو

بمیرم که رفتی کنار فرات

اما خشکِ خشکه هنوزم لبات

عمو جون فدای دستای جدات

زد سه شعبه بوسه بر چشای تو اما

قول می‌دم جبران کنم رو دستای بابا



:: نوحه: قربانی امام (جمعی از شاعران)

لب تو خشک اما، اشک تو جاری است
آمدی به میدان، موسم یاری است
تشنه‌ای آری ولی تو هستی تشنه شهادت
آمدی تا که شوی تو هم قربانی امامت
صدایت پیچیده در همه عالمین
خون تو می‌گوید لبیک یا حسین

.....
لعنت خداوند بر قومِ ستمگر
بر ابن زیاد و حرمله کافر
لعنت حق بر یزید و ابن سعد و شمر ملعون
لعنت حق بر آل سعود و برداعش و صهیون
و «تَزْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ»
لعنت بر آمریکا نفرین بر اسرائیل



:: نوحه: گواه قیام (محمد جواد شرافت)

تا در قنوت عشق، ذکر پدر شدی
تابنده بودی و، تابنده تر شدی

شش ماهه ای و ماه حسینی
نور دل و نگاه حسینی
چون اکبر سپاه حسینی

دل عالمی شده بنده ات
که نام علی ست برازنده ات
فدای تو و سرخی خنده ات

.....
هل من معین که گفت، در کربلا حسین
گفتی تو بین خون، لیبیک یا حسین

وقت حماسه ختم کلامی
روشن ترین گواه قیامی
فریاد بی صدای امامی

گره خورده، ای امید جهان!
به گهواره ات دل عاشقان
که تو ماه مایی به هفت آسمان



واحد کند: ماه تشنه لب (محمد جواد الهی پور)

زیر عبا می برمت، موندم علی کجا برم
تو رو به خاک بسپارمت، یا که برم سمت حرم

یک قدم می رم، دلم می گه برگرد
غمت چه با من کرد
یه قدم میام، صدای یه خواهر
میگه بیا با گریه با درد

لالایی ماه تشنه لب
روزم می شه بعد از تو شب
بی تو حرم در تاب و تب

لالا علی جان

.....
مادر برات آرزو داشت، می خواست بشی عصای دست
کجاس ببینه که عصاش، با تیر حرم له شکست

می ذارم تو خاک، میوه باغم رو
چشم و چراغم رو
فدای گلوت، که غرق در خونه
خدا به کی بگم داغم رو

تیرو کشیدم آخرش
افتاد روی دستام سرش
خوب شد ندیده مادرش

لالا علی جان



.....
مونده توی خیمه رباب، اما گلش رفته به خواب
برای گریه بابا، خنده تو می شه جواب

توی کربلا، عطرت پراکنده ست
لب هات پراز خنده ست
دارم آب می شم، تو رو که می بینه
لبخند تو برام کشنده ست

سپردمت دست خدا
از چشم زخم نیزه ها
حالا آروم بخواب بابا
لالا علی جان



واحد: تجدید میثاق (یوسف رحیمی)

دلَم این روزا خیلی تنگه برات
بازم بی قراره برا کربلات
مگه می ره از یادم اون جاده ها
کیه که بیاد و نشه مبتلات

کی می تونه طاقت بیاره فراق تو رو؟ می باره چشم
سخته یک سال صبوری کنم که باز تا حرم پیاده بیام

آه از صبوری، از درد دوری
طاقت بیارم، آخه چه جوری؟

فدای نگاه رحیمت آقا
شده دل هامون یا کریمت آقا
یه سال زندگی می کنیم روز و شب
با حال و هوای حریمت آقا

هر کس با تو یه قول و قرار داره ما هم قرار داریم
آقا خیلی غریبه می خواهیم جوونیمونو به پاش بذاریم

شور زیارت، این عهد و بیعت
روزی ما کن، آخر شهادت

دلی که گرفته بوی کربلا
کسی که حسینی شد از تو می گه
یزید زمانش رو می شناسه و
دمی بر نمی تابه ظلمو دیگه



هر روز روی زمین می ریزه خونی بی گناه، یه جای جهان
باید مردونه آماده شیم برا یاری امام زمان

با ندبه و آه، شام و سحرگاه
هر دم می خونیم: یا حجة الله



●
سنة
●

سنة
●



زمزمه: یوسف بابا (یوسف رحیمی) ::

هستی منی هستی برابرم
نداره قرار بعد تو چشم ترم
صدا می زنی بابا تو ولی علی
داغ تو آتیش می زنه بر جگرم

پرپر شدی تو ای یاس زهرا
که پیچیده عطر تنت در بین صحرا
پیراهنت کو ای یوسف من
تاریک شده دنیا پیش چشمای بابا

از تو شنیدم وقتی که شهادتین
کشتی منو با ماتمت ای نور عین
سخته که پیام وسط نامحرما
اما نکنه قبل من بیاد حسین

چون می ده آخه تو رو ببینه
ببینه هستیش غرق خون روی زمینه
باید عزیزم کاری کنم من
کنار جسم پرپر ت کمتر بشینه



زمزمه: شبیه مصطفی (حسن بیاتانی)

خدا میدونسته حسین
که مصطفی رو دوست داره
خدا حسین و دوست داره
حسین خدا رو دوست داره
خدا میدونست که حسین
چقدر دعا رو دوست داره
باباش علی بود و چقدر
اسم باباش و دوست داره
خدا میدونست که حسین
مهر و وفا رو دوست داره
همش به یاد مادریه
چون اون صدا رو دوست داره
خدا میدونست که حسین
کرب و بلا رو دوست داره
دوست داره قربونی بده
حسین بلا رو دوست داره
خدا میدونست که حسین
قربونیا رو دوست داره
داد به حسینش پسری
که کربلا رو دوست داره
امام حسین وقتی دلش
هوای مصطفی می کرد



طوری که هیچکس نبینه
به اکبرش نگاه می‌کرد
همیشه بوسه از لباش
با چشم گریون می‌گرفت
یه بار صداش میزد علی
هزار دفعه جون می‌گرفت
تا علی رو صدا میزد
زود پیش بابا میومد
وقتی علی جواب میداد
صدای زهرا میومد
می‌گفت علی باید یه روز
تو کربلا خونی بشی
باید به درگاه خدا
یه روزی قربونی بشی
گذشت تا کربلا رسید
نوبت ابتلا رسید
رفتن عزیزای حسین
کار به عزیزترا رسید
حسین میدونست که خدا
چه اولیا رو دوست داره
بین همه قربونیا
عزیزترا رو دوست داره
قربونی رو صدا نزد
گفت که خدا بدش میاد



حسین نگفتش به علی
دید که علی خودش میاد
خدا میدونست که علی
چقدر بابا رو دوست داره
علی میدونست که حسین
چقدر خدا رو دوست داره
حسین میدونست که خدا
دوست داشت اون و کشته میدید
داغ علی اون و می‌گشت
زینب اگر نمی‌رسید



زمینه: تجلی نور خدا (یوسف رحیمی)

خلق و خوی و جمال علی مثل طاها
هیبت، قامت، دلاوریاش مثل مولا
بی ماننده داره نگاهش نور زهرا

قدر و کوثر و هل أتاست، آیینۀ نور خداست
در کرامت و آقایی، بی کرون و بی انتهاست

غرق تجلی نور خدا، پر می شه صحرای کرب و بلا
از صدای اذن علی
نداره همتایی تو عالمین، دار و ندار آقامون حسین
اسوه هر جوونه علی

توی میدون دوباره به پا می شه محشر
می گن همه زنده شده گویا پیغمبر
مثل حیدر باز می زنه به قلب لشکر

پشت و پناه قافله، دلاور و دریادله
محشریه قد و بالاش، شبیه ابوفاضله

لشکری رو حریفه یک تنه، کرب و بلا با نگاش روشنه
این جوون کیه؟ ماه حسین
با یه نگاش دلا بی تاب شده، دلخوشی دل ارباب شده
روشنی نگاه حسین



:: نوحه: مظهر ایمان (جمعی از شاعران)

عطر باورت در، کربلا وزیده
«أَلْسَنَا عَلَى الْحَقِّ»، بر لب ت دمیده

ای که تو همچون پیمبر آرام جان حسینی
بین میدان مظهر یقین و ایمان حسینی

مولا با رفتنت به عالم نشان داد
در راه دین خدا باید جوان داد

.....
«أَلْسَنَا عَلَى الْحَقِّ»، پیروزی در راه است
یاد تو آرام جان حزب الله است

از شکوه رزمشان سپاه دشمن در تلاطم
«تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»

«إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ» بر لب ما
پاینده راه سرخ سلیمانی ها



نوحه: اسوه جوان (محمد جواد شرافت)

الله اکبر این طاهای کربلاست
اکبر جوانی پیغمبر خداست
آه این جوان که جان حسین است
خورشید آسمان حسین است
آری همه جهان حسین است

سراپا نبی سراپا علی
به پا می کند چه غوغا علی
بگو یا علی یا علی یا علی

در بین خاک و خون، هر لاله جوان
پرپر شد و شکفت، در باغ آسمان

حقا که عاشقان حسینند
در راه کاروان حسینند
دلدادۀ جوان حسینند

علی اکبر خمینی شدند
همه لشکر خمینی شدند
به شوق شهادت حسینی شدند



:: نوحه: تشنه دیدار (حسین عباس پور)

از خیمه آمد جلوه پیغمبران داشت
محو خدایش بود و سر در آسمان داشت

می تابد چون خورشید پا تا سر
می تازد چون حمزه می جنگد چون حیدر

تیغ خود را که می چرخاند
فاطمه این یکاد می خواند

تشنه ست آری تشنه دیدار زهرا
زخمی ست آری زخمی غم های بابا

از داغ مولایش شد دلگیر
خونش را می بخشد بر هر سنگ بر هر تیر

روح او تشنه پرواز است
که آغوش پیمبر باز است

نذر جوان تو جوانی ها و جانم
آقا دعا کن پای این بیرق بمانم

عشقت را بر قلبم نازل کن
تا بخشم در راهت این سر را قابل کن

من از تو کربلا می خواهم
طوف پایین پا می خواهم



:: **واحد کند: وارث حیدر** (محمد جواد الهی پور)

عطرت داره دل می بره، گیسو پریشون می کنی
تو موج خون پر می زنی، قلب منو خون می کنی

برگرد و بیا، پیش چشای تار

یه کم قدم بردار

برگرد و بیا، ای وارث احمد

ای وارث حیدر کرار

می ری به سمت قتلگاه

تمومه فرصت نگاه

تو یک نفر با یک سپاه

علی اکبر

گفتی بیا بالا سرم، ولوله افتاد تو حرم

تنهایی گیر آوردنت، برات بمیرم پسر

دنیای منی، دنیام شده گلگون

با صورت پر خون

افتادی رو خاک، از تو که پنهون نیست

دق کردم از خدا چه پنهون

چقدر تو راه خوردم زمین

پاشو حال منو ببین

نباید باشه جز این

علی اکبر



شرمنده‌ام از روی تو، نشد برات آب بیارم
صورت به صورت می‌ذارم، بلکه یه کم تاب بیارم

دنیا رو ببین، تنت روی صحرا

عَلَىٰ عَالِي الدُّنْيَا، بَعْدِكَ الْعَفَا

تورو گرفت از من

خدا به همراه تو بابا

جَوونِ من پیرم نکن

از غم زمین گیرم نکن

از زندگی سیرم نکن

علی اکبر



شور: رزق اشک (سید محمد رضا حسینی)

چشمم به پرچم / پشتم به دنیا / می خوام همیشه / رو
 به تو باشم /
 من آرزومه / امسال محرم / از نوکرای / خوبه تو باشم
 الحمدالله / من باغم روضه ی تو عجینم
 سرباز راه / فرمانده ی ارتش اربعینم
 میبینی ، رقم خورد آقا
 با دست ، شما تقدیرم
 می دونم ، که دوسم داری
 می دونی ، برات میمیرم
«اربابم برات میمیرم»

.....

من اومدم تا / مثل همیشه / باروضه ی تو / سامون بگیرم
 هر سال محرم / تا وقتی زنده ام / از تویه چشم / گریون بگیرم
 الحمدالله / داری هوای همه نوکرات و
 من خاک پاتم / آقا نگاهی بکن زیر پات و
 دلتنگم خدا می دونه
 چه صحن و سرایی داری
 من از اربعین فهمیدم
 یک دنیا فدایی داری
«اربابم فدایی داری»

.....

هرجایی از این / دنیا که باشم / خواب و خیال و / فکرم حسینه
 تو جانمازم / تسبیح تربت / بین قنوتم / ذکرم حسینه



الحمد لله / مهر تو در قلب من کرده ریشه
اصلا عبادت / بی مهر دل‌بند زهرا همیشه
با اسمت ، هوایی میشم
تا صحنه ، دل و پر میدم
قربون ، لبای خشکت
لب تر کن ، برات سرمیدم
«اربابم برات سرمیدم»



• شفاء
• العفة •



زمزمه: اشک مشک (یوسف رحیمی) ::

توی دستشه حالا مشکی پر از آب
داره می بره برای طفل رباب
اما زیر لب می کنه خدا خدا
که نشه یه وقت همه آرزوش سراب

بارون سنگ و بارون تیره
باید بره هر طور شده که خیلی دیره
شش ماهه از هوش رفته تو خیمه
آبو اگه نرسونه علی می میره

همه اومدن نذارن صاحب علم
مشک آبشو برسونه تا حرم
بوسه زده تیر به چشای آقامون
دست رشیدش بمیرم شده قلم

مشکو می گیره حالا به دندون
راهی می شه تا خیمه ها با چشم پر خون
تیری رسید و شد پاره مشکش
دیگه میون علقمه مونده پریشون



:: زمینہ: امید حرم (حسین حاجی)

من اباالفضلم مرید حسین
امید حرمم امید حسین
علی عَبْدٌ مِنْ عَبِيدِ نَبِي
أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبِيدِ حُسَيْنِ

اگہ سرم برہ، علم برہ
نمی دارم کسی سمت حرم برہ

یادم نمی رہ کہ مادر من
به عشق حسین داده شیرم
سفارش ام البنینہ
پای علم حسین بمیرم

يا نفسٍ من بعد الحسينِ هُونِي
من بعده لا كنتَ أن تَكُونِي

ساقی حرمم، جونم به کف
تورگام خونِ شاه نجف
وسط دریای تیر عدو
مشک آب دُرّ و تنم صدف

اگہ حرم نرم، با مشک آب
می میره از عطش شیرخوارِ رباب



یاد ترک لبای اصغر
داره می سوزه تموم هستم
گفتم به سکینه آب میارم
حتی اگه جدا شه دو دستم

وَاللّٰهِ اِنْ قَطَعْتُمْ اٰیْمِنِیْ
اِنِّیْ اُحَامِیْ اَبَدًا عَنِ دِیْنِیْ

.....

جون ناقابل فدای حسین
دست و چشم و دل فدای حسین
روز اول گفت بابامون علی
صد ابوظافل فدای حسین
بیا ببند با تیر، چشای من
تا نبینم رو نی رقیه رو می زنن

دارم برا غریبی مولا
این دم آخری اشک می ریزم
مواظب خودت باش رقیه
عمو رو حلال کن عزیزم
قَدْ قَطَعُوا بِبَعْیْهِمْ یَسَارِیْ
رقیه جان دیگه عمو نداری



:: نوحه: مرد میدان (جمعی از شاعران)

ای حیدر شمائل، ای زهرا خصائل

یا باب الحوائج، یا ابوالفضائل

در مواسات و برادری یکتایی ای علمدار

بالب خشکت شدی زبازد در وفا و ایثار

در منزلت تو همین بس که فردا

«يَغْبِطُهُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَا»

جامه شکوه و وفا داری بر تن

می زنی دست رد بر سینه دشمن

با نوای «هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ» ای مرد میدان

بر امان نامه کشیده ای همواره خط بطلان

بر عالم ثابت شد اسوه یقینی

و «إِنِّي أَحَامِي أَبَدًا عَنْ دِينِي»



نوحه: حیدر کربلا (محمد جواد شرافت)

غیرت نهاده سر، پیش مقام تو
بوسه زده ادب، دریای نام تو

تو اسوهٔ حیایی ابالفصل
اسطورهٔ وفایی ابالفصل
مهتاب کربلایی ابالفصل

بود جان تو فدای حسین
بود دست تو به پای حسین
تویی حیدر کربلای حسین

در مکتب حسین، صاحب علم تویی
آرامش دل، اهل حرم تویی

دیده جهان به دستت علم را
در گام تو ثبات قدم را
در رزم تو دفاع از حرم را

فدای دل رجزخوان تو
حرم ایمن است به ایمن تو
فدای شکوه شهیدان تو



نوحه: کوه ایمان (حسین عباس پور)

پیداست لبخند خدا در جانمازت
سجاده هم دلبسته بر راز و نیازت

مولایت می داند شأنت را
ادراک ما از تو یک قطره است از دریا

در ید قدرتت عالم بود
سرت پیش امامت خم بود

تو بر فراز کعبه گفتی از امامت
این خود گواه روشنی شد بر مقامت

همچون کوه محکم بود ایمانت
بر عالم می بخشد دریای احسانت

تو را وقتی قمر نامیدند
به ماه آبرویی بخشیدند

در آسمان پیچیده تکبیر رسایت
از علقمه آید طنین گام هایت

مستانه در خونت غلتیدی
در این راه چشمت را دستت را بخشیدی

نه فلک زیر بالت سقا
شیر مادر حلالت سقا



:: **واحد کند: برادر من** (محمد جواد الهی پور)

گفتی ابا ادرک ابا، دنیای من شد زیر و رو
سکینه گوشاشو گرفت، رقیه گفت ای وای عمو

سقای حرم، گفتم مراقب باش
دشمن شوره چشماش
سقای حرم، مگه میشه باشم
عباس من پا نشه از جاش

به من بگو وقتی زمین
افتادی از بالای زین
چی شد گل ام البنین

برادر من

عباس من تنهام نذار، رقیه بی قرارته
دارم میرم سمت حرم، ولی دلم کنارت
دور می شم ازت، دشمن می شه نزدیک
دنیام می شه تاریک
دور می شم ازت، غوغا می شه باز
می گن به هم با خنده تبریک

تنت تو دست دشمنه
داره با خنجر می زنه
خدا این عباس منه

برادر من



از اول ماه عزا، منتظر امشب بودم
با دست خالی اوادم، از غصه جون به لب بودم

سقای حرم، بی دست عاشورا
امشب بکن امضا

سقای حرم، اربعین امسال

بریم سوی بهشت دنیا

عالم رو بردی زیر دین

ذکر تمام عالمین

عباس علمدار حسین

آقام ابوالفضل



• **مجلس** •
مجلس •



زمزمه: لحظه فراق (یوسف رحیمی) ::

حالا که می‌ری یه کمی آهسته‌تر
یه نگاهی کن به دلای پر شرر
آتیش فراق می‌سوزونه قلبمو
دیگه می‌دونم نداره اهم اثر
حالا که می‌ری هستی خواهر
بذار ببوسم گلوتو به جای مادر
چطور ببینم به حنجر تو
برادر تشنه لبم بوسهٔ خنجر

نداره دلم طاقت فراق تو
می‌کشه منو آخه درد و داغ تو
این کوفیا که ندارن رحم و حیا
بگو بگیرم از کجا سراغتو

هر چی می‌بینم نیزه‌ست و شمشیر
اینجا می‌شم از داغ تو آخر زمین گیر
شیب الخضیبی که می‌شنیدم
پیش چشمای غرق خونم می‌شه تفسیر



زمزمه: وقت خدا حافظی (حسن بیاتانی)

حسینیا حسینیا
اسیر دنیا نمونید
وقت خدا حافظیه
حسینیا جا نمونید

حسینیا حسینیا
باز یه دهه گذشت چه زود
حسین صداتون می‌کنه
عاشقا رفتیم و، نبود؟

حسینیا حسینیا
چه کربلا چه پر بلاس
چجوری زنده‌اید هنوز
اربابتون تو قتلگاس

شما که زنده‌اید هنوز
میگم حسین تو قتلگاس
خشک نشه اشک چشاتون
زینب بین نامحرماس

دنیا همش مال شما
اینجا، زیادی اکبره
زندگیتون و بکنید
چون شما عزیزتره



ترسم از اینکه که فقط
یه روز سرافکنده بشید
محشر بشه از مادرش
حسابی شرمنده بشید

حداقل کاری کنید
روز بمونه ، شب نرسه
صدای رقص و هلهله
به گوش زینب نرسه

اگر میدونید لااقل
دنیا رو کربلا کنید
با این حسین حسیناتون
قفل فرج رو وا کنید

چه کربلا چه پر بلاس
منتقمش خود خداس
حتی علی اصغرم
سرش به روی نیزه هاس

چه کربلا چه پر بلاس
دعا کنید شب نرسه
کار حسین تموم نشه
نوبت زینب نرسه



زمینه: مکن ای صبح طلوع (بیوسف رحیمی)

شب آخر شده و می وزه بوی غریبی
نمی تونم ببینم فردا که شیب الخضیبی

بمیره برای تو خواهر، نبینم که نداری یاور
همدم غربت من و توست، صدای ناله های مادر

«امشبى را شه دین در حرمش مهمان است
عصر فردا به روی نیزه سر قرآن است

مکن ای صبح طلوع، مکن ای صبح طلوع»

.....
می بینم اصحابتو حلقه زدن دور و برت
که نشینه غم غربت توی چشمای ترت

چشم من که داره می باره، از غم فردا بی قراره
خوب می دونی که دل خواهر، طاقت جدایی نداره

«امشبى را شه دین در حرمش مهمان است
عصر فردا به روی نیزه سر قرآن است

مکن ای صبح طلوع، مکن ای صبح طلوع»

اشک غربت می شه از چشمای من جاری حسین
می ری و خواهرتو دست کی می سپاری حسین



بعد تو بی پناهه زینب، اسیر غم و آهه زینب
از غم و دلواپسی تو، غرق خونه نگاه زینب
«امشبى را شه دین در حرمش مهمان است
عصر فردا به روی نیزه سرقرآن است
مکن ای صبح طلوع، مکن ای صبح طلوع»



:: نوحه: در طواف ماه (جمعی از شاعران)

آیه‌های حضور، می‌وزد از خیام
یاران در طوافِ ماهِ روی امام

محفل شوقی «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» شد امشب

هر کسی آورده نقد جان نذر عزیز زینب

می‌مانند با مولا تا پایان این راه

روحي لك الفدا يا ابا عبد الله

تا پای جان هستیم یاور ولایت

کربلا قبله و راه ما شهادت

چشم دنیا در تحیر از شور قیامت ماست

سر سپردن در مسیر عاشورا سعادت ماست

می‌خوانیم دمام می‌گوییم با صد آه

يا ليتنا كنا معك يا ثار الله



نوحه: شب بیعت (محمد جواد شرافت) ::

خورده گره اگر، راه تو با حسین
با جان و دل بگو، لبیک یا حسین

با غیرت و وفا باش دل من
در راه کربلا باش دل من
در خیمه خدا باش دل من

شب بیعت است بمان با حسین
بود نور حق سراپا حسین
بگو یا حسین یا حسین یا حسین

گردیده کربلا، سرتاسر جهان
با جان و دل بگو، یا صاحب الزمان

باید شوی حبیب سپاهش
حر و زهیر و عابس به راهش
تا که شوی شهید نگاهش

به شام ابد ز صبح ازل
بمان با امام به قول و عمل
بگو العجل العجل العجل



:: نوحه: رسم دلدادگی (حسین عباس پور)

چشم تر مولا پر از شوق شهادت
لب‌های خشک عاشقان گرم تلاوت

امشب در کربلا غوغایی ست
هر عاشق شیدا و هر دیده دریایی ست

از همه مبتلا تر مولا
شده دلتنگ مادر مولا

از گریه‌هایش سینه سجاده خون بود
ذکر لبش انا الیه راجعون بود

از داغ فردایش امشب سوخت
با زخم حنجر ساخت با اشک زینب سوخت

فدای چشم گریان او
فدای کام عطشان او

خون گلو دادی به ذلت تن ندادی
سر دادی اما دست بر دشمن ندادی

این مکتب میعاد عشاق است
باید دل از خود کند باید دل بر او بست

رسم دلدادگی راه توست
سرم بر نیزه همراه توست



:: **واحد کند: آخرین نگاه** (محمد جواد الهی پور)

آهسته تر برادرم، خواهرت از حرم اومد
از اون که می ترسید دلم، یه روزی به سرم اومد

الوداع حسین، تو که به همراهت

دل منو بردی

قربون قدت، پیر شدی یک روزه

چقد برا ما غصه خوردی

قرارمون تو قتلگاه

میام پیشت از خیمه گاه

برای آخرین نگاه

حسین عطشان

.....
بعد از تو شد وقت هجوم، اومده لشکر رو به روم
گفتم همه فرار کنید، یکی میگه کجاست عموم

عاشورا شده، فاطمه گریونه

علی دلش خونه

عاشورا شده، کابوس یک عمرم

تعبیر شده خدا می دونه

رمق نداره خواهرت

ببینه روی نی سرت

نقش زمینه پیکرت

حسین مظلوم



• شام خندان •



زمزمه: هنگام غارت (یوسف رحیمی)

آتیش بلا به پا شد دور و برم
خیمه می سوزه جلوی چشم ترم
حالا کوفیا همه فکر غارتند
بزن عمه جون باز گره به معجرم
از این مصیبت، چشمام می باره
یکی از این لشکر مگه غیرت نداره
فدا سرتو عمه خوبم
عیبی نداره اگه گم شد گوشواره

بغضی ناتموم تو گلومه عمه جون
سری روی نی روبرومه عمه جون
مگه دل من دیگه آروم می گیره
غصه های من ناتمومه عمه جون

دیگه شکسته م، دیگه بریدم
وقتی سر بابامو رو نیزه ها دیدم
داغ یتیمی سنگینه عمه
داره گواهی میده این قد خمیده م



:: زمینه: حضرت زینب ع‌ا‌ل‌ی‌ه‌ا (مجتبی حاذق)

تو عفتی و حیایی، عجب شکوه و جلالی
خیال وصف تو در سر، چه آرزوی محالی
یگانه دختر حیدر، بدون مثل و مثالی
تورا به بند کشیدن، چه خوابی و چه خیالی

تو مادرانه‌ترین خواهری که در دو جهانی
تو آفریده شدی تا پناه خلق بمانی
چه بهتر است که اصلاً خود تو روضه بخوانی:

من بودم و شام بلا، می دیدمت بر نیزه‌ها
من بودم و اطفال تو، با روضه گودال تو

ز بزم حادثه چیزی، به جز شکوه ندیدی
به جز حسین و خدایش، ز هرچه دست کشیدی

سراز حسین بریدند، ولی تو دل نبریدی
به شام تیره دشمن، تویی که صبح سپیدی

ز غصه‌های عظیمت رمق نمانده به جانی
تو در حجاب چو خورشید پشت ابر نهانی
چه بهتر است که اصلاً خود تو روضه بخوانی:

من بودم و بزم شراب، وای از رباب وای از رباب
دیدم تو را در تشت زر، دیدی مرا با چشم تر



(سید محمد جواد شرافت)

نوحه: پیغمبر قیام حسین ::

از شور کربلا، عالم لبالب است
تا پرچم حسین، در دست زینب است

خورشید کاروان گشته نورش
تسکین اهل خیمه حضورش
دل‌ها فدای قلب صبورش

به ذکر حسین پر از زمزمه‌ست
به راه خدا چه بی‌واهمه‌ست
که آیینۀ حیدر و فاطمه‌ست

با خطبه خوانی‌اش، غوغا به پا کند
تا شام و کوفه را، کرب و بلا کند

پیغمبر قیام حسین است
احیاگر پیام حسین است
آیینۀ تمام حسین است

صبور غم و بلا زینب است
یم غیرت و حیا زینب است
که تکرار خون خدا زینب است



(محمد جواد الهی پور)

و احد کند: شب جدایی

تو خیمه‌ها آتیش و دود، چهرهٔ دخترا کبود
 بردن به غارت حرمو، بین اونا یه مرد نبود

اینجا صحبت از، گوشه و گوشواره

رقیه بیداره

شاید هنوزم، منتظره واسه ش

عموی خوبش آب بیاره

ما غرق غم غرق عزا

تو غرق خون و سر جدا

پس کی به سر میاد خدا

شب جدایی

شمع شب تار عزا، شده آتیش خیمه‌ها

دیگه نماز شبمو، نشسته می خونم خدا

زین العابدین، تو غل و زنجیره

از زندگی سیره

کاش بودی حسین، دلداری می دادی

که خواهرت از غم نمیره

رباب می‌گرده بین خاک

دنبال جسمی چاک چاک

دلَم شده براش هلاک

حسین کجایی



• كرم الله وجهه •
• كرم الله وجهه •



:: آغاز سرخ (جواد محمدزمانی)

محرم آغاز ماست، محرم آغاز سرخ
همه مهیا شویم، برای پرواز سرخ

سلام ما به مدفن لاله‌ها
درود ما به خاکت ای کربلا؛ کربلا
از محرمش، آتش غمش شد زنده
روح غیرتش، راه عزتش پاینده

راه او، راه روشن است
عاشقان وقت رفتن است
موقع دل سپردن است
روز از خود گذاشتن است
شکفتن است

پراز شکوه خراسانی‌ام
پراز تب و تاب ایرانی‌ام
جهانی‌ام
به یاد قاسم سلیمانی‌ام
به راه دلدادگی فانی‌ام
جهانی‌ام

سلام ما بر تو و راه تو



شکوه ما در زمان ، شکوه ما در زمین
نرفته از یاد ما ، حماسه اربعین

که اربعین بهار یاد خداست
که اربعین حقیقت کربلاست؛ آشناست

مرحبا بر این نسل تا ابد آزاده
صف به صف شده از پی جهاد آماده

با شهادت چو هم‌رهمیم
تن به سازش نمی‌دهیم
مرد این رهمیم
سر به خاک حرم نهمیم
می‌شویم در غمش سهیم
ز خود رهمیم

دل از امام شهیدان بگو
ز شوق مهدی فراوان بگو
به جان بگو
ز رهبر بهتر از جان بگو
ز شوق شاه خراسان بگو
به جان بگو

سلام ما بر تو و راه تو



شکوه قیام (مهدی اسماعیلی) ::

قسم به نام حضرت حق، صاحب انتقام
رسیده لحظه‌ی شکوه خط سرخ قیام
سپاه عاشورای امروز، تحت امر امام
لبیک یا امام

«لبیک یا امام؛ می‌گیریم انتقام»

مرد جهاد و صبر و پیکاریم
با اهل باطل، خشم بسیاریم
از راه و رسم و خون حاج قاسم
دست بر نمی‌داریم (۲)

پس بچش ای کفر دنیا
انتقام سخت ما را

«لبیک یا امام»

قسم به نام حجت حق، وارث ذوالفقار
که می‌رسد به ساحل عشق، کشتی انتظار
دلیل روشنایی صبح، می‌شود آشکار
می‌تابد نور یار

«می‌تابد نور یار؛ بر قلب استوار»



ثابت قدم، از نسل سلمانیم
ما با حسین (علی) همواره می مانیم
در محو تزویر و نفاق و ظلم
پیروز میدانیم (۲)

استقامت کن در این راه
می رسد نصر من الله

«لَبِیکَ یا امام»



(محمد مهدی خان محمدی و مهدی اسماعیلی)

راه عاشورا ::

«ماتَرَکَناکَ یابَنَ ثارالله

رمز پیروزی، راه عاشورا»

معنای انسانید، در عرصه ی عالم
در حال پیکارید، در جبهه ها هر دم
پیمان خون بستید، با صاحب پرچم
عشق حقیقی را شماها تجربه کردید
هر روز بر گرد سر ارباب می گردید
فانوس این راهید، در عصر ظلمت ها
همواره آزادید، از یوغ ذلت ها
الگوی ما هستید، هادی و همت ها
بر کوچه ها نام شهادت زنده می ماند
راه بسیجی تا ابد پاینده می ماند

تا بیرق هیات، بر دوش من باشد
پیراهن مشکی، مثل کفن باشد
ناموس ما امروز، خاک یمن باشد
با کاروان سرخ ثارالله همراهیم
ما وعده ی قرآنی نصر من اللهم
ما رهرو عشقیم، در سایه ی امید
امید پیروزی، بر قلب ما تابید
غم می رود از یاد، می آید آن خورشید



ای انتقام کربلا می آیی و باید
در کعبه بانگ یا لثارات الحسین آید

تا با علی هستیم، از نسل عماریم
ما در شب فتنه، تا صبح بیداریم
ما در کنار هم، دریای بسیاریم

در گام دوم جبهه ی حقیق و پیروزیم
ما لشگر اصحاب عاشورای امروزیم

یا زینب کبری، اِنَّ حیاتِ لک
می ترسد اسرائیل از سنگ هر کودک
دشمن نمی جنبد، ترسیده از موشک

در پیش ظالم هر که باشد، خشم طوفانیم
یعنی حسین بن علی پای تو می مانیم



:: نسیم شهادت

دلم غصه داره، دلم بی قراره
خدایا یه عمره، که چشم می باره

چه سخته جدایی، خدایا دلم غرق خونه
رفیقای خوبم، دیگه سیرم از این زمونه
تا کی باید این دل، بسوزه بسازه بمونه

کاروان رفت و جا موندم، خسته دل از غم دنیا
کی می شم همسفر من با، کاروان حسینی ها

پیچیده دوباره، شمیم شهادت
خبرها آورده، نسیم شهادت

بیاید ای جوونا! که بازم جوونی آوردن
گل یاسی پرپر، گلی آسمونی آوردن
از عشق و رشادت، دوباره نشونی آوردن

عاشقایی که تا آخر، مردونه با آقا موندن
موندن و لحظه آخر، باز «أَوْفَيْتُ» می خوندن

سفر کردن آخر، چقدر عاشقانه
شدن با شهادت، همه جاودانه

همونا که داشتند، از اول با عاشورا پیوند
از عشق به فرزند، خدایا چه راحت گذشتند
همه عشقشون بود، «یا زینب» باشه ذکر سربند



داره از کربلا میاد، تا دمشق این نسیم عشق
کی می شه جون بدم من هم، در دفاع از حریم عشق

.....

می مونیم همیشه، به پای ولایت
تا وقتی بگیریم، برات شهادت

می مونیم تا آخر، همه یاور و یار رهبر
تا وقتی آقامون، بیاد با شکوه پیمبر
بشه دنیا یکسر، پراز بانگ الله اکبر

صبحای جمعه چشم ما، تا غروب می مونه بر راه
العجل یا ولی الله، العجل یا ولی الله



ملت امام حسین (محسن عسکری) ::

ما ملت شهادتیم
 ما شهره به رشادتیم
 کوهیم و اهل درد/ هنگامه نبرد
 ما مرد استقامتیم
 الگوی راه ما/ امام شهیدان شده
 کوچه قلب ما/ به نام شهیدان شده
 جام ما لب به لب/ ز جام شهیدان شده
 با پر زدن در هوای لاله ها
 ما گرفته ایم درس عشق و جنون
 تا همیشه زنده اند رهروان عشق
 احیاء عند ربهم یرزقون
لیبک یا ابا عبدالله علیه السلام

ای عشق بی حساب ما
 راه تو انتخاب ما
 جان ها فدای تو/ راس جدای تو
 تضمین انقلاب ما
 دست خونین تو/ نشان داده راه و هدف
 تا رهایی قدس/ به میدان رویم صف به صف
 پای این بیعتیم/ به یاری شاه نجف
 با پیروی از ولی مسلمین
 در نبرد با دشمن مقاومتیم



تا ظهور مهدی صاحب زمان
ما مرید مکتب حاج قاسم
لبیک یا ابا عبدالله علیه السلام

در امتداد خط نور
باشور و غیرت و شعور
آماده ایم همه / آزاده ایم همه
تا صبح روشن ظهور
العجل منتقم / جهان میکشد انتظار
ابر رحمت بیا / به جان بیابان بیار
بر لب شیعه هاست: / بیا وارث ذوالفقار
بعد از قیام همچو رود پر خروش
میرویم سوی دریای بی کران
وعده گاه بیعت ما اربعین
با حضور مهدی صاحب زمان
لبیک یا ابا عبدالله علیه السلام

